

عوامل و موانع تقرب به خدا

کیهان / ۱۴ مرداد ۸۶

علی پوریا

آهنگ کمال طلبی انسان

آدمی به سوی کمال گرایش ذاتی دارد و در جست و جوی آن از جان مایه می گذارد؛ هر چند که در بیشتر موارد در مصادیق کمالی به خطا و اشتباه می رود ولی این بدان معناست که کمال جویی، ریشه در فطرت و غرایز انسانی دارد. هر انسانی می کوشد تا از نقص و کاستی در درون و بیرون خویش بکاهد و به سوی کمال و زیبایی برود. قرآن با توجه به این خواسته و گرایش ذاتی انسان و برای جلوگیری و کاهش اشتباه در تشخیص مصادیق، آدمی را به مصادیق عینی کمال توجه می دهد. و با تبیین مصادیق کمال نما و یا ضد کمالی می کوشد تا انسان در مسیر درست کمال قرار گیرد.

در تبیین قرآنی خداوند کمال مطلق است و هر کسی اگر بخواهد به کمالی دست یابد می بایست از او که پروردگار و پرورش دهنده هر موجودی در مسیر کمالی است و زمینه و بستر کمال را برای او فراهم می آورد، بهره جوید و به او و دستورهای وحیانی اش تمسک کند. از این رو خداوند هم مقصد کمال و هم مسیر کمال و هم عامل و موجب ایجاد کمال در اشخاص است. (انعام آیه ۸۳، اعراف آیه ۱۷۶ و یوسف آیه ۷۶) که بیان می کنند که رسیدن به منزلت های معنوی و تقرب به خدا و بهره مندی از کمالات آن کمال مطلق تنها در سایه سار توجهات و مشیت خداوندی است و تنها اوست که کمالی را در شخص ایجاد و یا زمینه ها و بستر بهره گیری را فراهم می آورد. از این رو خداوند در بینش و نگرش قرآنی منشا هرگونه کمالی در درون و بیرون انسان است که این مطلب بر پایه دیدگاه توحید محض تبیین می گردد که قرآن و مومنان بر این باورند.

به سخنی دیگر چنان که خداوند اول و آخر و نیز ظاهر و باطن است همو صمدی است که جایی از هستی از وجودش خالی نیست و بی او هستی و کمالی نیست. بنابراین هر کسی کمالی بخواهد می بایست به او تقرب جوید و از او بخواهد؛ در غیر این صورت، انسان به جایی نمی رسد و در حقیقت ترازوی وجودی اش خالی از هرگونه کمال بلکه از هر چیزی است؛ زیرا در نگرش قرآنی غیر او باطل است و باطل به جهت هیچ بودن از وزن و ارزشی

برخوردار نمی باشد. در این نوشتار سعی شده است بر پایه آموزه های وحیانی مساله تقرب و آهنگ کمالی انسان و چگونگی تقرب واقعی به کمال مورد بررسی قرار گیرد و عوامل و موانع آن شناسایی شده و آثار تقرب بیان گردد.

تقرب در آموزه های قرآن

تقرب به معنای آهنگ و شتاب در منافع خود است. این واژه هنگامی در مورد تقرب انسان به خدا به کار می رود که به معنای نزدیکی و تقرب معنوی و روحانی باشد که شخص با اتصاف خود به صفات کمالی و پاک کردن خویش از عیوب و نقایص می تواند به این مقام معنوی دست یابد. (نگاه کنید: مفردات راغب اصفهانی ص ۶۶۴ و ۶۶۵ ذیل واژه قرب).

تقرب در اصطلاح قرآنی به معنای تقرب مکانی نیست و این مطلب به ویژه در کاربرد آن نسبت به خدا به خوبی آشکار می شود؛ زیرا خداوند پاک و منزّه از مکان است؛ از این رو مقصود از تقرب به خدا، تقرب معنوی و روحانی است.

قرآن برای بیان معنای تقرب، افزون بر واژه قرب و از واژگانی دیگر استفاده کرده است که از آن جمله می توان به کلماتی چون زلفی، عند ربهم، عنده، عند ربک، عندالله، درجات، قریب، وسیله و نیز برخی از جملات و گزاره هایی که این معنا و مفهوم را می رساند اشاره کرد.

عوامل تقرب

قرآن برای تقرب به کمال مطلق و بهره مندی از آن عوامل چندی را بر می شمارد که انسان می تواند با استفاده از آن ها خود را به کمال مطلق نزدیک سازد و به سخنی خود را متاله و ربانی نماید و از درجات ربانیون و متالیهین برخوردار گردد.

متاله و ربانی در اصطلاح قرآنی انسان هایی هستند که با بهره مندی از آموزه های قرآن و دیگر آموزه های وحیانی و الهی مانند دستورهای پیامبران و امامان (ع) ظرفیت ها و توانمندی های سرشته در نهاد و ذات خویش را که در قرآن از آن به نام اسماء یاد شده است، به فعلیت درآورند و خود را به شکل خدا و صورت او درآورند. این همان معنایی است که در برخی روایات از آن به: خلق الانسان علی صورته، بیان شده است؛ به این معنا که خداوند

انسان را به صورت اسمایی خویش آفرید و این امکان را به وی داد که با استفاده از ظرفیت اسمایی که به صورت تعلیمی به وی داده شده به شکل خدا و به صورت وی تجلی کند و به عنوان خلیفه خدا در قرارگاه زمین عمل کند. این مطلب به ویژه زمانی تاکید می شود که خلیفه می بایست با مستخلف عنه و کسی که جانشین وی شده در بیشتر اموری که مرتبط به استخلاف و خلیفه گری است مشترک باشد. از این رو تنها کسانی خلیفه الهی در قرارگاه زمین خواهند بود که انسان کامل باشند و همه اسمای الهی تعلیمی را به فعلیت درآورده باشند.

بر این اساس کسانی که انسان کامل نیستند و به حکم خلافت در زمین عمل می کنند غاصب حکومت خواهند بود و خلافت ایشان باطل و ناروا است.

پس این انسان متاله و کامل ربانی است که به جهت تقرب به خدا از خلافت الهی بهره مند می شود. برای دست یابی به این مقام انسان می بایست خود را در مسیری قرار دهد که آموزه های وحیانی آسمانی آن را بیان کرده است. از این رو قرآن از جمله عوامل مهم تقرب را ایمان برمی شمارد که به معنای شناخت درست به همه واقعیت ها و عمل به همه آموزه های وحیانی است. (انفال آیه ۴ و توبه آیه ۲۰ و آیات دیگر).

در حقیقت پیروی از آیات الهی و آموزه های وحیانی و عمل به آن، مهم ترین عامل تقرب به خدا و متاله و ربانی شدن است (اعراف آیه ۱۷۵ و ۱۷۶).

اگر به آیات قرآنی که به عوامل مهم تقرب و متاله شدن اشاره می کند توجه شود، این نکته به خوبی و روشنی قابل درک است که مهم ترین و اصلی ترین عامل، همین ایمان واقعی و حقیقی است که در آیه ۴ سوره انفال بیان شده است. بنابراین دیگر عوامل بیان شده در آیات دیگر به معنای بیان مصادیق آن است که عبارتند از: تقوا (آل عمران آیه ۱۵ و مائده آیه ۲۷)، توجه به قیامت (مزمّل آیه ۱۷ و ۱۹)، جلب رضایت خدا (آل عمران آیه ۱۶۲ و ۱۵۳)، خوف از خدا و بیم از آینده و خشم او (اسراء آیه ۵۷)، عقیده ب حق (فاطر آیه ۱۰)، علم و آگاهی به حقایق که از آن به علم رشدی یاد می شود (مجادله آیه ۱۱)، نماز (انفال آیه ۳ و ۴)، قرآن و تذکراهای آن (انسان آیه ۲۹) سجده (علق آیه ۱۹)، عبودیت و پرستش خدای یگانه (هود آیه ۶۱)، سبقت در اطاعت (واقعه آیه ۱۰ و ۱۱)، جهاد (مائده آیه ۳۵) و شهادت (آل عمران آیه ۱۶۹). در حقیقت همه این موارد گفته شده و گفته نشده همان

ایمان (سبا آیه ۷) و عمل صالح (همان) است.

انسان متاله و کامل کسی است که با برخورداری از هدایت الهی (بقره آیه ۳۸) اسمای الهی سرشته در خویش را به فعلیت رسانده به مقام تقرب یعنی همانندی در این بخش از صفات و اسما دست یافته است که بیان دیگر از مقام قاب قوسین او ادنی (نجم آیه ۹) است.

موانع تقرب

اگر بخواهیم از موانع تقرب سخن بگوییم می بایست همه چیزهایی را یاد کنیم که به عنوان باورهای ناروا در حوزه شناختی و اعمال بد و زشت در حوزه عمل از آنها یاد می شود و قرآن از آن ها بازداشته است. در این راستا قرآن، اعراض از آیات خدا و رویگردانی از آن را مانعی برای رسیدن انسان به مقام قرب و منزلت های والای معنوی و کمالات خداوندی دانسته است (اعراف آیه ۱۷۵ و ۱۷۶) همچنین پیروی از شیطان و اطاعت و همراهی با وی (همان) و یا پیروی از هوای نفس (اعراف آیه ۱۷۶) تجاوزگری (مطففین آیه ۱۲ و ۱۵) دنیا طلبی (اعراف آیه ۱۷۶) شرک (زمر آیه ۳) و گناه (مطففین آیه ۱۴ و ۱۵) را از دیگر موانع تقرب به خدا برمی شمارد.

همه موارد پیش گفته به خوبی نشان می دهد که اصل در تقرب به خدا شناخت درست و باور به حقایق و حیاتی و عمل به آن و دوری از افکار شیطانی و پلید و اعمال نادرست و منکر است.

بیان مصادیق انسانی که با عمل به باورها و اعمال صالح، خود را به کمال رسانده ولی در نهایت خود را گرفتار وسوسه های شیطانی کرده و در دام هواهای نفس افتاده است از این رو صورت می گیرد تا هشدارباشی باشد برای کسانی که در راه هستند.

قرآن بیان می کند که انسان همواره در معرض خطر است و باید به خدا تکیه کند وگرنه گرفتار شده و از مقام تقرب به کمال دور می افتد چنان که بلعم باعورا با همه پیشرفتی که داشت در نهایت در دام وسوسه های شیطانی افتاد و از کمال و تقرب به مبدا بازماند. (اعراف آیه ۱۷۵ و ۱۷۶).

بطور خلاصه درباره آثار تقرب به همین اندازه بسنده می شود که تقرب به خدا، برخورداری از همه اسمایی است که در انسان به ودیعت گذاشته شده است و بهره مندی از رضوان الهی و رسیدن به مقام عالی قاب قوسین او ادنی و یا دیگر درجات انسانی همانند خلافت الهی، از آثاری است که در قرآن بدان ها اشاره شده است.